
بی سواد
و
فرقی نمی کند

آگودا کرستوف

ترجمه

اصغر نوری



انتشارات فروزید

سرشناسه:	کریستوف، آگوتا، ۱۹۳۵-۲۰۱۱ م. Kristof, Agota
عنوان و نام پدیدآور:	بی سواد و فرقی نمی کند / آگوتا کریستوف؛ ترجمه‌ی اصغر نوری.
مشخصات نشر:	تهران: مروارید، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری:	۱۴۴ ص.
شابک:	978-964-191-445-7
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبیا
یادداشت:	کتاب حاضر ترجمه‌ای است از دو اثر نویسنده با عناوین L'analphabete (recit autobiographique) و C, est egal
موضوع:	کریستف، آگوتا، ۱۹۳۵-۲۰۱۱ م. - خودسرگذشتنامه.
موضوع:	داستان‌های فرانسه - قرن ۲۰ م.
شماره افزوده:	نوری، اصغر، ۱۳۵۵ - مترجم.
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۴ ی ۷ / ۹ / PQ ۲۶۷۷
رده‌بندی یوئی:	۸۴۳/۹۱۴
شمار کتابشناسی ملی:	۴۱۷۷۲۸۹



انبارت

تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، پلاک ۱۱۸۸ / ص. پ. ۱۶۵۴-۱۳۱۴۵
دفتر: ۰۲۷-۶۶۴۸۴۰۳۷ فاکس: ۰۴۸۴۶۱۲-۶۶۴۱۴۰۴۶-۶۶۴۰۰۸۶۶
<https://instagram.com/morvaridpub> - <https://telegram.me/morvaridpub>
www.morvarid-pub.com



بی سواد و فرقی نمی کند

آگوتا کریستوف

ترجمه‌ی اصغر نوری

تولید فنی: الناز ایلی

صفحه‌آرایی: تینا حسامی

چاپ اول ۱۳۹۵

چاپخانه: کارنگ

تیراژ ۱۱۰۰

شابک ۷-۴۴۵-۱۹۱-۹۶۴-۹۷۸-۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۴۴۵-۷ ISBN: 978-964-191-445-7

۱۰۰۰۰ ریال

فهرست

۷.....	یادداشت م. ح.
۱۱.....	بی سواد (یک داستان زندگی نام دارد)
۵۳.....	فرقی نمی کند (مجموعه داستان)
۵۵.....	تیر.....
۵۸.....	قطاری به مقصد شمال
۶۱.....	خانه‌ی من.....
۶۳.....	کانال.....
۶۸.....	مرگ یک کارگر.....
۷۰.....	دیگر نمی خورم.....
۷۲.....	استادها.....
۷۶.....	نویسنده.....
۷۶.....	بچه.....
۷۸.....	خانه.....
۸۴.....	فرقی نمی کند.....
۸۶.....	صندوق نامه.....
۹۱.....	شماره‌های اشتباه.....
۹۹.....	روستا.....
۱۰۲.....	خیابان‌ها.....

۱۰۷..... چرخ بزرگ

۱۱۰..... دزد

۱۱۱..... مادر

۱۱۳..... دعوت

۱۱۷..... انتقام

۱۱۹..... از یک شهر

۱۲۱..... محمد دل

۱۲۴..... کرم می کنم

۱۲۷..... پدرم

۱۳۰..... کجایی مائاس؟

www.ketab.ir

یادداشت مترجم

آگوتا کریستوف، متولد ۱۸۳۵ در مجارستان، بعد از چاپ چهار رمان «دفتر بزرگ»، «مدرک»، «درخت سواد» و «دیروز»، بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۹، که او را به یک نویسنده‌ی جهانی تبدیل کردند، «بی‌سواد» را در سال ۲۰۰۴ و «فرقی نمی‌کند» را در سال ۲۰۰۶ منتشر کرد، و این دو کتاب، آخرین آثار داستانی او بودند. کریستوف تا زمان وفاتش در ۱۷ ژوئیه‌ی ۲۰۱۱، فقط یک کتاب دیگر به نام «هیولا» چاپ کرده که شامل چهار نمایشنامه بود. او که نوشتن به زبان فرانسه را با نمایشنامه‌نویسی آغاز کرده بود، پیش از آن، مجموعه نمایشنامه‌ی دیگری هم منتشر کرده بود به نام «زمان خاکستری» (۱۹۹۸). همین چند عنوانی که ذکر شد، کل کارنامه‌ی کاری یکی از بهترین نویسنده‌های معاصر اروپا را تشکیل می‌دهند که آثارش به بیش از چهل زبان ترجمه شده‌اند.

«بی‌سواد» نوعی حدیث نفس نویسنده است. کریستوف بخش‌های کوتاه این کتاب را ابتدا به صورت ماهانه برای یک مجله‌ی آلمانی‌زبان سوئیس نوشت و بعدها این تکه روایت‌ها یک داستان بلند زندگی‌نامه‌ای

را تشکیل دادند که به یکی از معروف‌ترین آثار او تبدیل شد. خواننده‌های بی‌شمار چهار رمان قبلی او، در این داستان بلند، سرچشمه‌ی اصلی این آثار را پیدا می‌کردند، به‌ویژه منشاء معروف‌ترین اثر او، «دفتر بزرگ». آگوتا کریستوف در این داستان، کل زندگی‌اش را با دور تند از نظر می‌گذراند: کودکی و عشق به خواندن و نوشتن، بازی‌های کودکی با برادر بزرگش، جنگ، دوران جدایی از این برادر که عاشقانه دوستش دارد و زندگی در یک مدرسه‌ی شبانه‌روزی، جوانی، ازدواج، مادر شدن، انقلاب، فرار از مدرسه به همراه شوهر و بچه، تقاضای پناهندگی از کشور سوئیس، رنج تبعید، یادگیری اجباری زبان فرانسه، نوشتن به این زبان و تبدیل شدن به ویسندار معروف. همه‌ی این‌ها، مثل داستانی فشرده و موجز روایت می‌شود. داستان‌های کوتاه و ساده و مینی‌مالیسم خاصی که کریستوف در آن اسرار دارد.

به گفته‌ی خود آگوتا کریستوف، داستان‌های مجموعه‌ی «فرقی نمی‌کند» اولین تلاش‌های او برای نوشتن به زبان فرانسه بود. او در کنار نمایشنامه‌های کوتاه اولش، این متن‌ها را هم می‌نوشت. در گفت‌وگویی که اوت ۲۰۰۹، در آپارتمانش در شهر نوشاتل سوئیس داشتیم^۱، راجع به این داستان‌ها گفت: «تم داستان‌های این مجموعه را قبلاً به صورت شعر به مجاری نوشته بودم. وقتی زبان فرانسه یاد گرفتم، سعی کردم شعرهایم را به فرانسه ترجمه کنم ولی موفق نشدم. نتوانستم به فرانسه شعر بگویم و شاید به همین دلیل شعر گفتن را کنار گذاشتم. اما شعرهایم را به‌شکل داستان به زبان فرانسه نوشتم.»^۲ کریستوف از بعضی از داستان‌های این مجموعه، بعدها در دو رمان «دروغ سوم» و «دیروز» استفاده کرد.

۱. متن کامل این گفت‌وگو را می‌توانید در انتهای کتاب «دفتر بزرگ»، آگوتا کریستوف، ترجمه‌ی اصغر نوری، نشر مروارید، چاپ اول ۱۳۹۰، بخوانید.

۲. همان، ص. ۱۸۹.

داستان‌های این مجموعه، علاوه بر شاعرانگی، چیز دیگری هم در خود دارند: رنج بودن. این رنج را می‌شود در همهی آثار کریستوف دید اما او دنیای تلخ و سیاه آثارش را همیشه با طنزی ظریف همراه می‌کند تا پذیرفتنی و حتی بسیار خواندنی شوند، چون اعتقاد دارد «زندگی تلخ و ظالمانه است. سیاه‌تر از قصه‌های من...».^۱ در داستان‌های این کتاب، سو رنالدسم غلیظی می‌بینیم که در رمان‌های کریستوف کم‌رنگ‌تر شده است. شاید از این‌رو که او از دنیای انتزاعی شعر سمت دنیای قابل‌لمس‌تر رمان رفته است. کنار گذاشتن هر احساسی، واقعیت زندگی و رنج‌هایش را خیلی خشک و خریان به تصویر می‌کشد.

در کتاب حاضر، یک داستان به داستان‌های مجموعه‌ی «فرقی نمی‌کند» اضافه شد است کریستوف، داستان «کجایی ماتیاس؟» را به همراه یک نمایشنامه‌ی کوتاه، در کتاب به همین نام، در سال ۲۰۰۵ توسط انتشارات زوئه^۲ سوئیس منتشر کرد. این داستان، آخرین اثر داستانی چاپ‌شده‌ی آگوتا کریستوف بود و آخرین داستانی است که من از او ترجمه کرده‌ام. از همین حالا، دلم برای ترجمای آگوتا کریستوف تنگ می‌شود.